

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلِبُوا»



دادگستری کل استان تهران

دادنامه

شماره دادنامه

9909970228100752

تاریخ تنظیم:

1399/09/12

شماره پرونده:

9909980228100442

شماره بایگانی شعبه:

9900594

تعداد پرونده ها:

1

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

پرونده کلاسه 9909980228100442 شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران تصمیم نهایی شماره

خواهان: احیا گستر هرمز با وکالت آقای سید یاسر حسینی فرزند سید محمود به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - سعادت آباد - میدان کاج سرو غربی - نبش خ مروارید - خ مروارید پلاک 2 واحد 28

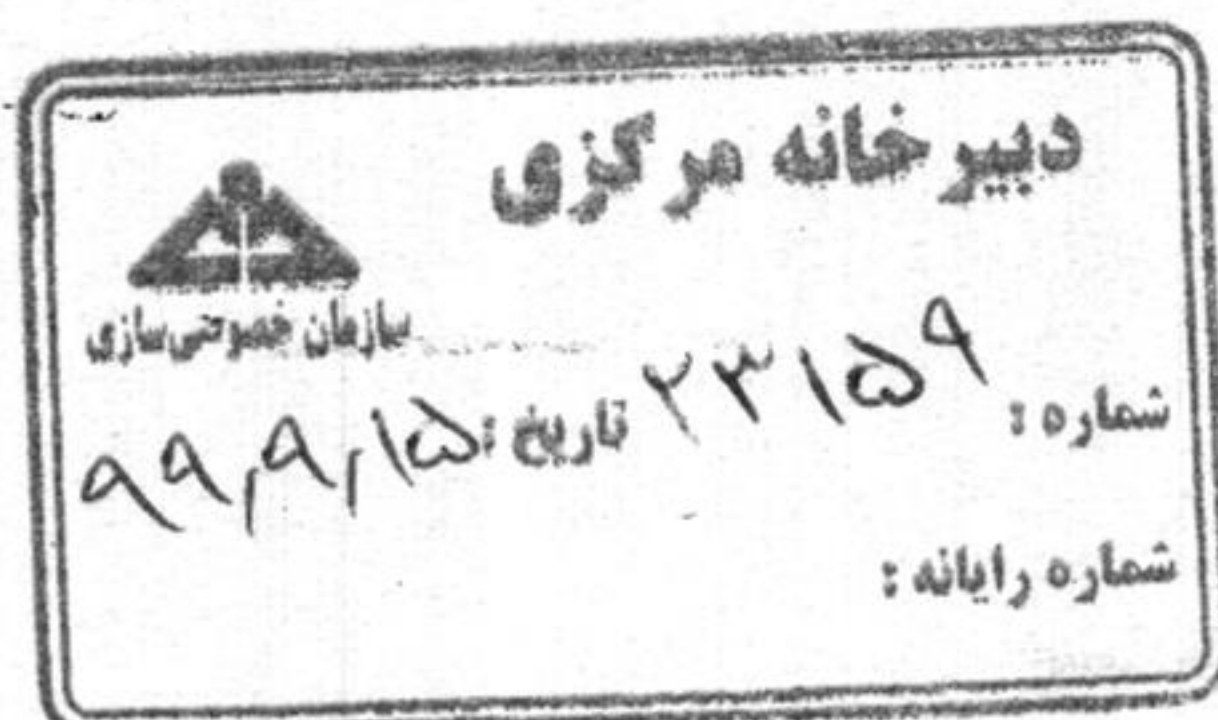
خوانده: سازمان خصوصی سازی به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران - شهرک قدس - فاز یک - خیابان ایران زمین - خیابان مهستان - ساختمان شماره 15

خواسته: ابطال رأی داور (غیر مالی)

بسمه تعالی به تاریخ 1399/09/10 در وقت فوق العاده جلسه شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران بتصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر قرار دارد. دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خدای متعال به شرح آتی به شرح ذیل می نماید:

رای دادگاه

در خصوص دادخواست شرکت احیا گستر هرمز با مدیرعاملی علی صوفی آبادی و با وکالت سید یاسر حسینی به طرفیت سازمان خصوصی سازی با نمایندگی آقای حمید مرتضوی و خانم زهرا روحی به خواسته ابطال رای داور که مطابق شرح دادخواست خواسته خواهان به این شرح است: «شرح خواسته: شرح دادخواست: ریاست محترم دادگاههای عمومی حقوقی تهران با سلام و احترام، به وکالت از شرکت احیاء گستر هرمز (با مسئولیت محدود) نسبت به رای شماره 21 مورخ 31/6/1399 هیات محترم داور موضوع ماده 30 قانون اجرای سیاستهای کلی اصل 44 قانون اساسی اعتراض جدی داشته و جهت تشحیذ ذهن آن مقام عالی مطالبی به شرح ذیل معروض می دارد: الف / شرح موقوف موکل اینجانب به موجب قرارداد شماره 6638 مورخ 6/4/1395 تعداد 303920000 سهم معادل 08/87 درصد از سهام شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس (سهامی عام) را از سازمان خصوصی سازی (خوانده دعوا) به مبلغ یک هزار و پانصد و چهل و چهار میلیارد و هشتصد و سی و نه میلیون و چهارصد و شصت هزار و چهارصد و شصت ریال خریداری نموده است. پس از گذشت دو سال از وقوع عقد و به جهت مشکلات مستحده بخشی از اقساط ثمن معامله به موقع پرداخت نگردید و سازمان خصوصی سازی به استناد بند 3 از ماده 6 قرارداد صدرالذکر و وکالتنامه رسمی شماره 158020 مورخ 30/3/1395 تنظیمی دفتر اسناد رسمی



دبیرخانه
تصمیم داور
۱۳۹۹/۹/۱۲



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلِبُوا»

دادگستري کل استان تهران

دادنامه

شماره دادنامه

9909970228100752

تاریخ تنظیم:

1399/09/12

شماره پرونده:

9909980228100442

شماره بایگانی شعبه:

9900594

تعداد پرونده ها:

1

شعبه 21 دادگاه عمومي حقوقي مجتمع
قضايي شهيد بهشتي تهران

144 تهران، تعداد 273528000 سهم معادل 37/78 درصد شرکت مارالذکر را به ثمن بخش (کمتر از قیمت خرید موکل) به مبلغ هشتصد و هشتاد و هفت میلیارد و دویست میلیون و پانصد و یازده هزار و هفتصد و بیست و هشت ریال به خوانده ردیف دوم (شرکت تعاونی ایتارگری خدمات حمل و نقل گردشگری و اتومبیل کرایه ایده آل شهر آرا) به صورت نقد و اقساط واگذار می نماید. علیرغم کوتاهی خوانده دعوا در فروش مال موکل به ثمن بخش و طبقاً مسئولیت آن سازمان در این خصوص، دادخواستی در تاریخ 2/12/1398 از سوی خوانده موصوف به خواسته های الف- مبلغ 690/629/221/733 ریال بابت مطالبات قراردادی / ب- مبلغ 202/496/999/40 ریال بابت وجه التزام قراردادی دیون سررسید شده تا تاریخ 29/12/1398 / ج- خسارت تاخیر تادیه مبالغ مندرج در بند الف و ب / د- خسارات دادرسی تقدیم هیات داورى صدرالذکر می گردد و متعاقباً آن هیات محترم نیز بدون توجه به دفاعیات موکل و مفاد قرارداد و نصوص قانونی و قواعد لازم الرعایه اقدام به صدور رای له خوانده طی رای داورى معترض عنه می نمایند که بنا به دلایل ذیل الذکر واجد ایرادات اساسی می باشد. ب / ایرادات و دفاعیات

1- بر فرض محال قبول صحت ادعا و خواسته های خوانده دعوا در دادخواست تقدیمی به هیات محترم داورى، مشارالیه در دادخواست تقدیمی مذکور مبلغ خواسته را بر خلاف قانون و شرع تعیین و درخواست نموده است.

(مبلغ مندرج در ستون خواسته حاصل جمع اصل ثمن قراردادی به همراه وجه التزام می باشد) در حالی که وجه التزام قراردادی مندرج در قرارداد باطل و نامشروع و طبقاً خواسته خواهان در قسمتی نامشروع و غیر قانونی می باشد.

توضیح بیشتر اینکه، مستفاد از مواد 221 و 230 قانون مدنی، تعیین وجه التزام و الزام متعهد به پرداخت آن، فقط در تعهداتی جاری می شود که موضوع تعهد انجام عمل مادی از قبیل تحویل کالا و یا ارائه خدمت باشد.

به عبارت دیگر، تعیین وجه التزام در موردی که مورد تعهد وجه نقد است، شامل عنوان مذکور نیست و پذیرش آن مستلزم مشروع دانستن ربا می باشد که این امر به جهت نهی شارع از ربا باطل و نامشروع است.

همانگونه که آن مقام عالی استحضار دارند؛ وفق ماده 595 از بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، هر نوع توافقی بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی که طی آن شرط شود زائد بر مبلغ پرداختی دریافت گردد ربا بوده و مشمول مجازات می باشد.

از سوی دیگر فقهای اسلام مطالبه مازاد بر بدهی بدهکار بعنوان خسارت تاخیر تادیه را جایز ندانسته و صراحتاً اعلان داشتند که آنچه به حساب دیر کرد تادیه بدهی گرفته شود ربا و حرام است.

و در همین مبنا شورای نگهبان در زمان اجرای قانون آیین دادرسی سابق، مواد 719 تا 723 آن قانون را که ناظر بر خسارت تاخیر تادیه بر تعهدات ریالی بوده غیر شرعی و غیر قابل اجرا اعلام نموده است (روزنامه رسمی



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستري کل استان تهران

دادنامه

شماره دادنامه

9909970228100752

تاریخ تنظیم:

1399/09/12

شماره پرونده :

9909980228100442

شماره بایگانی شعبه :

9900594

1

تعداد پرونده ها :

شعبه 21 دادگاه عمومي حقوقی مجتمع
قضايي شهيد بهشتي تهران

شماره 12834) و همین امر سبب درج ماده 522 در قانون آیین دادرسی مدنی جدید و پذیرش خسارت تاخیر صرفاً بر اساس شاخص ترقی قیمتها آن هم با رعایت شرایطی شده است.

در مانحن فیه خوانده محترم در قرارداد واگذاری بابت بدهی ریالی ناشی از ثمن معامله، خسارت ریالی تعیین کرده و به هنگام تقدیم دادخواست به هیات محترم داور، ثمن معامله را به همراه خسارت ربوی مذکور (وجه التزام) محاسبه کرده و در ستون خواسته درج نموده است.

این امر از مصادیق تقلب نسبت به قانون و برخلاف نظم عمومی اقتصادی بوده که وفق ماده 975 قانون مدنی و دیگر قوانین موضوعه باطل و بلااثر است.

در ادامه چنانچه قصد خوانده محترم مطالبه خسارت تاخیر تادیه وفق ماده 522 قانون آیین دادرسی باشد بر فرض صحت ادعا و خواسته خوانده مذکور، مشارالیه می بایست خسارت را از تاریخ مطالبه هر يك از اقساط درخواست می نمود و هیات محترم داور نیز زمان مطالبه را ملاک عمل قرار می داد نه زمان سررسید اقساط.

2- نکته جالب توجه اینکه، خوانده دعوا و هیات محترم داور خسارت تاخیر تادیه تا تاریخ 29/12/1398 به همراه اقساط ثمن معامله به عنوان اصل بدهی موکل لحاظ نموده و متعاقباً برای این بدهی خسارت تاخیر تادیه جداگانه ای در نظر گرفته است.

این امر بدان معناست که خسارت تاخیر تادیه از تاریخ 1/1/1399 لغایت اجرای رای داور در بخشی مبتنی بر خسارت تاخیر تادیه گذشته است و هیات محترم داور با این رای خسارت از خسارت را جایز نموده که مخالف قواعد حقوقی می باشد.

3- حسب اظهارات موکل، بلا وصول ماندن برخی اقساط ثمن معامله نتیجه اهمال و تقصیر فاحش و حتی افحش خوانده دعوا می باشد.

چرا که نامبرده به هنگام فروش وکالته سهام متعلق به موکل، آن ها را به ثمن بخش و بدون تجدید ارزیابی و بر اساس ارزیابی چندین سال قبل به دیگری واگذار نموده است و همین امر زمینه ناتوانی و حتی تضییع حقوق موکل را فراهم آورده است.

توضیح بیشتر مطلب اینکه، اولاً؛ بخشی از سهام مورد معامله به میزان هفت درصد از سهام شرکت به هنگام معامله بعدی (منتقل الیه دوم) به جهت اینکه ثمن آن از سوی موکل پرداخت و تسویه شده بود نمی بایست مورد معامله قرار می گرفت.

به عبارتی سازمان خصوصی سازی هفت درصد از سهامی را فروخته که ثمن آن را دریافت داشته و اساساً حق نداشت این تعداد از سهام را در مورد معامله می آورد.



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستري کل استان تهران

دادنامه

9909970228100752

شماره دادنامه

1399/09/12

تاریخ تنظیم:

9909990228100442

شماره پرونده:

9900594

شماره بایگانی شعبه:

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومي حقوقی مجتمع
قضایي شهید بهشتي تهران

كما اینکه تعدادي از سهام متعلق به موکل (به میزان ده درصد) را که سابقاً ثمن آن تسویه نموده در قرارداد دوم مورد معامله قرار نگرفته بود.

ثانیاً؛ ارزش واقعي سهام مورد معامله بسیار بیشتر از ثمن قراردادي (حداقل پانزده برابر ثمن معامله) بوده و وکیل (سازمان خصوصي سازي) بر خلاف نص صريح ماده 667 قانون مدني و قاعده لاضرر و اصل حسن نیت عمل نموده است.

بدین ترتیب که؛ برابر با ماده 667 قانون مدني وکیل مي بایست در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از اختیاراتي که به وي داده شده است تجاوز نکند.

مع الاسف وکیل مذکور (سازمان خصوصي سازي) به هنگام انعقاد قرارداد دوم بدون توجه به قیمت واقعي سهام موضوع معامله، آن سهام را بر اساس ارزیابي گذشته به فروش رسانده بود.

این درحالیست که کاهش قدرت خرید پول کشورها در طول زمان یا به عبارت دیگر تورم و همچنین تغییرات عمده در قیمت نسبي کالاها و خدمات به ویژه در دوره هایی که سیستم چند نرخي ارز به کار مي رود موجب مي شود اطلاعات مربوط به ارزش هاي تاريخي (یا قیمت تمام شده) دارايي ثابت و سرمايه گذاري هاي بلند مدت که در صورت هاي مالي متعارف منعکس مي گردند از ارزش هاي جاري که بیان کننده واقعيتهای اقتصادي هستند به شدت فاصله گیرند و در نتیجه اطلاعات مزبور براي تصمیم گیری هاي اقتصادي نامربوط، نارسا و غیر قابل استفاده شوند و در مانحن فیه وکیل مي بایست با ارزیابي مجدد تمامی دارايي شرکت خصوصاً زمین ها، ابنیه ها، تاسیسات و ماشین آلات و کسر استهلاک و بدهي شرکت ارزش واقعي و قیمت روز سهام را مشخص و پس از آن اقدام به فروش سهام ها نموده و یا حداقل از امضای چنین قراردادي خودداری مي نمود.

لذا به جهت ورود زیان فاحش به موکل از سوي وکیل، مشارالیه مي بایست جبران زیان وارده را بنماید.

جالب آن که منتقل الیه بعدي اندکي پس خرید سهام مذکور اقدام به ارزیابي دارايي ثابت شرکت نموده و صرفاً بر اساس تجدید ارزیابي دارايي ثابت شرکت اقدام به افزایش سرمايه شرکت مزبور کرده است.

ارزیابي دارايي ثابت شرکت مي بایست قبل قرارداد واگذاري دوم صورت مي پذیرفت تا به واسطه افزایش سرمايه شرکت سهام که نماینده میزان دارايي شرکت است بیشتر ارزش یافته و قیمت واقعي آن ملاک معامله و تعیین ثمن قرار گیرد.

افزایش سرمايه از طریق تجدید ارزیابي دارايي ثابت آن هم پس از انعقاد قرارداد نشان از بالاتر بودن مبلغ سهام و عدم توجه به قیمت واقعي ثمن به هنگام معامله دارد.



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستری کل استان تهران

دادنامه

شماره دادنامه

9909970228100752

تاریخ تنظیم:

1399/09/12

شماره پرونده:

9909980228100442

شماره بایگانی شعبه:

9900594

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

از سوی دیگر حسب پیگیری های موکل بخشی از اموال شرکت که نقش بسزایی در تعیین و ارزیابی قیمت سهام آن شرکت دارید به هنگام قیمت گذاری سهام مورد محاسبه قرار نگرفته اند.

همچنین میزان بدهی شرکت به هنگام قیمت گذاری سهام یا تماماً غیرواقعی و یا بخشی از آن ها غیرواقعی بوده است.

در همین راستا درخواستی مبنی بر بطلان فروش بخشی از سهام و پرداخت بهای اموال و پرداخت خسارت تقدیم هیات محترم داورى مذکور شده که اثبات حقانیت موکل در آن دعوا تأثیر زیادی بر دعوائ حاضر دارد.

لذا توقف دادرسی تا صدور رای از سوی هیات محترم داورى مورد استدعاست.

(به پیوست تصویر درخواست رسیدگی از هیات محترم داورى تقدیم حضور می گردد).

علیهذا با عنایت به مطالب معنونه رسیدگی شایسته و نقض رای معترض عنه مورد استدعاست.

با تجدید مراتب ادب و احترام سیدیاسر حسینی - وکیل خواهان.

دلایل و منضمات: درخواست جلب نظر کارشناسرای داورى، قرارداد، وکالتنامه، به شماره 1399/08/19 مورخ وکالت نامه به شماره 008124 مورخ 1399/07/09 میزان تمبر مالیاتی به مبلغ 120000 ریال باطل شد قرارداد مالی مورخ 99/08/18 به شماره 0 مورخ سایر دلایل و مستنداترای داورى، قرارداد، وکالتنامه، به شماره 1399/08/19 مورخ وکالت نامه به شماره 008124 مورخ « خوانده ضمن معرفی نماینده حقوقی مبادرت به دفاع به موجب لایحه نموده است که مودای لایحه دفاعیه خوانده و مشروح مذاکرات اصحاب دعوا در جلسه رسیدگی چنین است:» وکیل خواهان آقای سیدیاسر حسینی حضور دارند.

نماینده خوانده سازمان خصوصی سازی به اسامی آقای حمید مرتضوی و خانم زهرا روحی حضور دارند لایحه ای از جانب نامبردگان به دادگاه تقدیم شده است.

موجبات رسیدگی فراهم است وکیل خواهان اظهار می دارد خواسته به شرح دادخواست تقدیمی است.

توضیح امر اینکه موکل شرکت احیا گستر هرمز با مسئولیت محدود به مدیر عاملی علی صوفی آبادی دارنده امضا مستقلاً به موجب قرارداد شماره 6638 مورخ 6/4/1395 فیما بین شرکت موکل و سازمان خصوصی مبنی بر واگذاری 87/08 درصد از سهام شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس سهامی عام مبادرت به خرید سهام شرکت مذکور را نموده و ثمن به صورت 10 درصد نقدی و 90 درصد طی اقساط تعیین می گردد.



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستری کل استان تهران

دادنامه

9909970228100752

شماره دادنامه

1399/09/12

تاریخ تنظیم:

9909980228100442

شماره پرونده:

9900594

شماره بایگانی شعبه:

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

نقدی پرداخت می شود و بخشی از قسط اول به مبلغ 50 میلیارد ریال پرداخت می گردد و از پرداخت مابقی اقساط عاجز می گردد.

و علت آن عدم توانایی مالی شرکت و حدوث اختلاف با شرکت صاحب سهام بوده است.

به موجب ماده 10 قرارداد اختلافات به صورت اجبار حاصله ماده 30 قانون اجرای سیاستهای کلی اصل 44 مصوب مجلس شورای اسلامی اختلافات می بایست در هیات داورى به همان اسم مطرح گردد.

سازمان خوانده دادخواستی با موضوع مطالبه اقساط معوق و خسارت قراردادی و خسارت تاخیر تادیه در هیات داورى مطرح نموده و منجر به دانامه معترض عنه مبنی بر محکومیت موکل به پرداخت مبلغ 774.

221.

125.

862 ریال به عنوان اصل اقساط باقیمانده و وجه التزام قراردادی تا تاریخ 19/12/1398 به همراه پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ 1/1/1399 لغایت وصول صادر می گردد.

حالی که موکل به رای صادره اعتراض دارد چراکه اولاً با توافق طرفین به وجه التزام موجبی برای تعیین خسارت تاخیر تادیه باقی نمی ماند.

ثانیاً طبق ماده 522 قانون آئین دادرسی مدنی وجه التزام به وجه طلب مصداق ریاست و مخالف قوانین کیفری است.

ثالثاً خوانده به موجب وکالتنامه ای که از موکل داشته است مبادرت به انتقال سهام موکل به شرکت تعاونی ایثارگری خدمات حمل و نقل گردشگری و توموبیل کرایه ایده ال شهرآرا نموده است که ثمن معینه نا متعارف و اندک بوده است و بر همین اساسا سموکلدادخواستی به خواسته های اعلام بطلان قرارداد فروش و پرداخت بهای اموال محاسبه نشده و پرداخت مبلغ بدهی های واهی و غر واقعی و خسارت ناشی از عدم رعایت مصالح و غبطه موکل داده است که با توجه به تاثیر دعوای مذکور در دعوای حاضر تقاضای توقف رسیدگی تا زمان تعیین تکلیف آن دعوای را دارم.

نمایندگان حقوقی خوانده اظهار داشته اند شرح دفاعیات به شرح لایحه تقدیمی است نسخه ای از قرارداد و رای هیات داورى تقدیم دادگاه می گردد.



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستری کل استان تهران

دادنامه

9909970228100752

شماره دادنامه

1399/09/12

تاریخ تنظیم:

9909980228100442

شماره پرونده:

9900594

شماره بایگانی شعبه:

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

در خصوص مدعایت خواهان معروض می دارد که پس از عجز خواهان از پرداخت اقساط معوق سازمان از محل وثیقه که همان سهام مورد معامله بود نسبت به وصول طلب اقدام نمود و با فروش آن بخشی از طلبی را وصول و با توجه به عدم تکاپو برای مطالبه الباقی به مبلغ مندرج در رای مورد اعتراض مبادرت به طرح دعوا نمود که رای هیات داورى در این خصوص صادر شده است و از نظر سازمان خصوصی سازی خدشه ای به آن وارد نیست و ایرادات خواهان موثر نمی باشد چرا که : شرکت واگذار شده جزء شرکتهای عرضه شده در بازار بورس و اوراق بهادار بوده و دارای نماد بورسی است و بر اساس تابلوی بورس قیمت گذاری می شود نه قیمت کارشناسی کارشناسان رسمی در مورد ارزش مالی سهم که بر اساس سرمایه و دارائی شرکت صورت می گیرد.

این اقدام بر اساس دستورالعمل روش های واگذاری صورت می گیرد.

و خریدار متعهد به پرداخت اقساط در مواعد معین بود و ضمانت اجرای تخلف وکالت فروش مورد معامله برای وصول معاملات است و سازمان سهم را عرضه و فروخته و ملاک همان قیمت تابلو خواهد بود.

وجه التزام ربوی نیست و بر اساس مقررات واگذاری سازمان مکلف به اخذ وجه التزام است و با اصول قرار دادی نیز سازگار است.

وجه التزام تعیین شده پرداخت خسارت بر مبنای بانک مرکزی (شورای عالی پول و اعتبار) بوده است.

که برای بازه زمانی تعویق اولین قسط تا زمان طرح دعوا ماک محاسبه قرار می گیرد.

با این اوصاف سازمان پس از کسر رقم وصول شده از محل فروش برای الباقی ثمن قراردادی و وجه التزام قراردادی دادخواست مطرح نمود و اصل ثمن به همراه وجه التزام همان مبلغ برای دوره تعویق قسط تا طرح دعوا محاسبه و مطالبه شد.

و چون طرح دعوا قاطع محاسبه وجه التزام است برای بازه زمانی بعد از طرح دعوا لغایت وصول برای اصل مبلغ ثمن قراردادی و نه وجه التزام محاسبه شده خسارت تاخیر در تادیه مورد مطالبه قرار گرفته است.

و رای هیات داورى نیز با عنایت به همین ظرافت صادر شده است و خللی به آن وارد نیست.

در خصوص درخواست وکیل خواهان مبنی بر توقف رسیدگی تا حصول نتیجه رسیدگی به اختلاف دیگر در هیات داورى نظر به استقلال موضوع حاضر از مدعیات مطروحه و ایضا اینکه این اعتراض در مرحله تجدید نظر قرار دارد و همچنین اگر شرکت خواهان چنین ادعائی داشته می بایست در مرحله بدوی و در قالب دفاع ماهوی یا دعوای متقابل مطرح نماید لکن در مرحله قبلی در خصوص دعوای سازمان مبنی بر مطالبه وجه دفاع مذکور را به عمل



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستری کل استان تهران

دادنامه

9909970228100752

شماره دادنامه

1399/09/12

تاریخ تنظیم:

9909980228100442

شماره پرونده:

9900594

شماره بایگانی شعبه:

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

نیاورده و اکنون و پس از صدور حکم محکومیت و باهدف تحت تاثیر قراردادن محکومیت حاضر مبادرت به طرح دعوی مذکور نموده است.

و حتی به فرض پذیرش آن دعوا و ابطال واگذاری اثری بر دعوای حاضر که مطالبه معوقات سازمان است نخواهد داشت.

شایان ذکر است طبق مقررات داخلی و تصمیم سازمان تنها نود درصد سهام خواهان به عنوان وثیقه مورد فروش قرار گرفته است.

نکته دیگر اینکه در وکالت ماخوذه از خواهان تصریح شده است که وکیل اختیار واگذاری به هر شخص و با هر قیمتی را دارد.

از واگذاری مذکور دو سال سپری شده و بر مبنای مصوبات در زمان فروش اقساطی مابه التفاوت قیمت داریم و سود اقساط حال نشده محاسبه نشده است.

وکیل خواهان در مقام پاسخ اظهار داشته است: «در خصوص محاسبه سود جهت رعایت شرایطی که نماینده محترم ادعای آن را دارند که اقساط حال نشده محاسبه نشده است و به موکل تخفیف داده شده است تقاضای کارشناسی دارم ثانیاً تبصره 1 ماده 8 قرارداد که به موجب آن رقم وجه التزام براساس مصوبه بانک مرکزی و به ترتیب مقرر توسط هیات واگذاری است ضمن مغایرت با ماده 522 قانون ائین دادرسی مدن و قوانین آمره بانکی به لحاظ مجهول بودن رقم و میزان وجه التزام و غرری بودن باطل و کان لم یکن و مبطل عقد می باشد ثالثاً درج عبارت به هر قیمت و به هر شخص دلیل و جوازی بر فروش سهام متعلق به موکل به ثمن بخش و عدم رعایت غبطه و مصلحت موکل نیست.

رابعا در طی مدت 2 سال به موکلاخطاری نشده است و در خصوص طرح دعوای تقابل اطلاعات حقوقی نداشته و دفاع ماهوی در این خصوص حسب اعضای هیات داورى نیازمند تقدیم دادخواست و علی حده بوده است.

و الباقی مطالب به شرح دادخواست است.

« ختم جلسه رسیدگی اعلام می گردد.

« از نظر دادگاه خواسته خواهان همان است که در دادخواست آمده است و دلایل نیز انحصار در چیزی است که خواهان در ستون دلایل ذکر می نماید مگر اینکه خواهان با استفاده از حقوق پیش بینی شده در قانون مبادرت به افزایش یا کاهش خواسته نماید.

در دعوای حاضر خواسته خواهان ابطال رای هیات داورى است.



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستری کل استان تهران

دادنامه

9909970228100752

شماره دادنامه

1399/09/12

تاریخ تنظیم:

9909980228100442

شماره پرونده:

9900594

شماره بایگانی شعبه:

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

خواهان در خواسته خود که در ستون خواسته دادخواست می آید علت باطل بودن رای دآوری را مورد تصریح قرار نداده است اما از مشروح خواسته معلوم می گردد که خواهان مدعی است رای دآوری باطل است چون اولاً به رغم توافق طرفین در تعیین وجه التزام موجبی برای تعیین خسارت تأخیر تادیه باقی نمی ماند ثانیاً وجه التزام تعیین شده نیز با قواعد دادرسی مدنی و بانکی و شرع در تعارض است و مصداق ربا دارد.

همچنین در جلسه رسیدگی وکیل خواهان شناور بودن و مصرح نبودن وج التزام تعیین شده را که وی مدعیست تعیین آن بر عهده یکی از طرفین قرار گرفته است به دلیل غرر موجب جهل به عوضین و باطل بودن توافق مذکور و مبطل بودن عقد دانسته است.

همچنین وکیل خواهان در جلسه رسیدگی مدعی شده است که دعوائی جهت ابطال واگذاری دوم به دلیل عدم رعایت غبطه موکل در هیات دآوری مذکور مطرح نموده است که به دلیل موثر بودن در موضوع تقاضای توقف رسیدگی به موضوع حاضر تا زمان تعیین تکلیف مساله یاد شده در هیات دآوری را داشته است.

نمایندگان حقوقی خوانده در پاسخ به قابل جمع نبودن وجه التزام با خسارت تأخیر تادیه اظهار داشته اند که طرح دعوا وجه التزام را قطع نموده و برای بعد از آن خسارت تأخیر تادیه مورد مطالبه قرار گرفته است.

وکیل خواهان به این دفاع تعرض ننموده و صرفاً در خصوص آن قسمت از ادعای نماینده خوانده که اظهار داشته سود اقساط حال نشده برای خواهان لحاظ نشده و در واقع مورد ارفاق قرار گرفته است تعرض نموده و درخواست کارشناسی امر را نموده است.

هیات دآوری در دادنامه شماره 21 مورخ 31/6/1399 حکم به محکومیت معترض به پرداخت 774.

.221

.125

862 ریال بابت اصل اقساط باقیمانده و وجه التزام قراردادی (خسارت تأخیر تادیه) تا تاریخ 29/12/1398 و خسارت تأخیر تادیه از 1/1/1399 تا زمان وصول بر مبنای شاخص نرخ تورم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که توسط اجرای احکام محاسبه خواهد شد صادر نموده است.

طبق دادنامه مذکور عمده دفاع خواهان (معترض) در آن مرحله در مورد منصفانه نبودن واگذاری دوم و عدم رعایت غبطه موکل در اجرای مفاد وکالت بوده است.



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستری کل استان تهران

دادنامه

9909970228100752

شماره دادنامه

1399/09/12

تاریخ تنظیم:

9909980228100442

شماره پرونده:

9900594

شماره بایگانی شعبه:

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

از نظر دادگاه دفاع معترض مبنی بر اینکه وجه التزام تعیین شده ربوی است وارد نیست چون ربا آن است که شخص پول یا مالی به دیگری بدهد و زمان استرداد بدون وجه مازادی بر آن دریافت نماید.

در حالیکه وجه التزام جریمه قراردادی است یعنی طرفین توافق می کنند که چنانچه احدی از طرفین از تخلفات قرارداد تخلف کرد به مبلغ مورد توافق جریمه شود و به این ترتیب ریشه قراردادی داشته و اساسا مصداق ربا نیست.

و بر همین اساس نیز اگر فاسد باشد مبطل عقد نیست.

لکن در قضیه مانحن فیه باطل هم نیست چرا که طبق توافق طرفین مبنای محاسبه خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخصی خاص و محاسبه آن بر عهده طرفین قرار گرفته است که با توجه به اصول آزادی اراده و تبعیت قراردادهای از توافق طرفین و مرسوم بودن امر در قراردادهای الحاقی که عمده شرایط عقد را یکی از طرفین تعیین و دیگری صرفا در الحاق و قبول آن اراده دارد صحیح و مورد اعتبار به نظر می رسد ضمن اینکه معترض نیز در مرحله رسیدگی به موضوع در هیات داورى تعرضی به محاسبه وجه التزام قرار دادی ننموده است.

از حیث ایراد جمع شدن خسارت قراردادی و خسارت تاخیر تادیه در رای هیات نیز معلوم گردید که خسارت تاخیر تادیه از زمان تاریخ 1/1/99 و به اصل مبلغ 774.

221.

125.

862 ریال تعلق گرفته است.

البته اقتضا داشت دادنامه معترض عنه به این امر تصریح نماید و از این حیث درخور تصحیح می باشد.

اینکه معترض به موجب دعوای دیگری در هیات حل اختلاف به دلیل عدم رعایت غبطه موکل درخواست ابطال واگذاری ثانویه را نموده و اکنون استدعای توقف رسیدگی به دعوای حاضر را نموده است نیز موثر در مقام نمی باشد.

چراکه اولاً این وجه اعتراض در دادخواست مورد تصریح قرار نگرفته است و ثانياً رسیدگی مذکور اثر ماهیتی بر دعوای حاضر ندارد بلکه صرف ممکن است به فرض اثبات مبلغ وصول شده را تغییر دهد که در این صورت می تواند در مراحل اجرا لحاظ شده یا علی حده مطالبه شود.

و از آنجائی که رسیدگی حاضر در مرحله پژوهشی به دادنامه معترض عنه است.



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلُوا»

دادگستری کل استان تهران

دادنامه

شماره دادنامه

9909970228100752

تاریخ تنظیم:

1399/09/12

شماره پرونده:

9909980228100442

شماره بایگانی شعبه:

9900594

1

تعداد پرونده ها:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

امکان متوقف نمودن آن به رسیدگی بدوی که با فرض ثبوت رای اصداری قطعی نخواهد بود موجب اطاله دادرسی و تضییع حق خواهد شد.

خصوصاً اینکه معترض این امکان را داشته است که در مرحله بدوی ادعای مذکور را مطرح نموده و اثر دعوای معنونه را در میزان محکومیت خویش اعمال نماید.

از این رو دادگاه ضمن موثر ندانستن اعتراض به عمل آمده رای صادره را موافق موازین قانونی و شرعی دانسته و به استناد مواد 2 از قانون آئین دادرسی مدنی و 20 و 23 قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده 30 قانون اجرای سیاستهای کلی اصل 44 قانون اساسی رای معترض عنه را ضمن تاکید بر تصحیح صورت گرفته عیناً تأیید می نماید.

رای دادگاه قطعی است.

دادرس شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی تهران حسین ملک محمدی

امضای صادر کننده